

## حالت اضطرار

تعریف ، مبنای حقوقی ، شرایط

### کلیات

گاهی اتفاق می افتد که شخص در برابر قوه ای غیر قابل مقاومت قرار میگیرد و بر اثر آن مرتکب جرم میشود، مقصود از این قوه کیفیتی است که موجب رفع مسوولیت مرتکب جرم میگردد.

قسمت اخیر ماده ۱ ع قانون مجازات عمومی ایران این قوه غیر قابل احتراز را پیش بینی نموده و حکم مورد را بیان کرده است: « . . . . هم چنین مجازات نخواهد شد کسی که بواسطه اجبار برخلاف میل خود مجبور بارتکاب جرم گردیده و احتراز از آنهم ممکن نبوده است»

ماده ۴ ع قانون مجازات فرانسه نیز مقرر میدارد: « در صورتیکه متهم در موقع ارتکاب عمل در اثر قوه ای که قادر بمقاومت با آن نبوده است مجبور باشد جنایت و جرحه ای وجود پیدا نمی کند.»

قانون مجازات عمومی ایران از امر غیر قابل احتراز و قانون جزای فرانسه از قوه غیر قابل مقاومت سخن میگویند.

اجباری که در قبال امر غیر قابل احتراز و یا قوه غیر قابل مقاومت وجود دارد ممکن است به صور گوناگون متظاهر گردد.

هنگامیکه قوه جبری جنبه مادی داشته باشد بدان اجبار مادی میگویند و وقتی شخص از لحاظ روانی آزاد نباشد اجبار معنوی است. این دو مورد را قانون مجازات ایران و نیز قانون جزای فرانسه شامل است. اما مورد دیگری هم وجود دارد که شخص در عین آنکه از لحاظ روانی و مادی آزاد است با توجه بامری دیگر و برای خاطر آن ناچار از فدا کردن چیز است و این کیفیت را حالت اضطرار می خوانند و تأثیر آن را در مسوولیت بلحاظ رویه قضائی و نظر علمای حقوق می دانند. آنچه در ذیل بشرح آن می پردازیم بحثی است در باره حالت اضطرار، نخست به تعریف حالت اضطرار توجه می نمائیم و آنگاه از مبنای حقوقی و قضائی آن سخن میگوئیم و بالاخره از شرایط آن گفتگو می کنیم.

### بند اول : تعریف حالت اضطرار

حالت اضطرار عبارت از حالتی است که شخص تحت سلطه آن در چنان وضعیتی

قرار میگیرد که نمیتواند عملاً از مال یا منفعت یا حتی حمایت کند مگر آنکه مرتکب عملی گردد که اگر از اوضاع و احوال مقارن آن جدا شود جرم تلقی میگردد و عامل آن مجرم خوانده میشود. درین مورد فرض اینست که دو منفعت و یا دو تکلیف با یکدیگر برخورد و تصادم دارند.

در حالت اضطرار فرد بطور منطقی فاقد اراده نیست بلکه میتواند از حمایت منفعت یا حق چشم پوشد همانطور که میتواند عمل مجرمانه را مرتکب شود.

موریو **Moriaud** میگوید: «حالت اضطرار حالتی است که برای تأمین نتیجه‌ای مورد توجه و احترام - از لحاظ نفع یا امر دیگری از این قبیل - باید بدان توسل جست» سپس می‌افزاید که: «حالت اضطرار حالت اشیائی است که حمایت و نگاهداری یکی از آنها ارتکاب عملی را - که در عین حال جرم تلقی میشود - ایجاب می‌کند.»

مقصود از جمله «در عین حال جرم تلقی میشود» اینست که عمل مجرد از وضعیات خاصی که به‌مراه دارد جرم است.

ویدال **Vidal** معتقد است که: «حمایت از حق مورد تهدید بکار بردن وسائل شدید و فدا کردن حق دیگری را ایجاب می‌کند.»

دوندیو دو وابر **Donnedieu de Vabre** میگوید: «حالت اضطرار عبارتست از حالتی که حمایت از یک حق و یا یک مال مستلزم اجرای عملی است که در عین حال جرم است و آسیب و صدمه به مال دیگری را در بر دارد.»

گارو **Garraud** در مورد حالت اضطراری که موضوع آن حفظ مال است چنین اظهار نظر میکنند.

«در مورد حالاتی که در آنها حمایت از مالی لازم می‌آید، ارتکاب عملی که جرم است اضطراریست. . . . این حالت متضمن تعارض چند حق نیست بلکه تعارض منافع را شامل است که نتیجه وجود یک حادثه غیر مترقب و یا یک عمل طبیعی است.»

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد اینست که در هر یک از این حالات که حمایت از حق یا مال و یا غیر اینها منظور نظر است و اعم از اینکه مسأله تعارض در حقوق یا منافع در میان باشد فاعل جرم قادر بانتخاب است، یعنی میتواند از حمایت حق چشم پوشد و بجای آنکه امر دوم را فدای امر اول کند بعکس رفتار نماید.

حالت اضطرار ممکن است در شرایط گوناگون تحقق پذیرد:

۱ - شخص برای حفظ جان خود و یا مال خویش مال کم بهاتری را فدای می‌کند مانند کسی که برای حفظ خویشتن و فرار از سرگ مبادرت بسرقت نا می‌نماید.

۲ - شخصی در اثر احساسات خیرخواهانه و بر اثر نوع دوستی برای نجات و حمایت از جان و یا مال کسی مال کم ارزش تری را که متعلق بشخص ثالث است فدا می‌کند.

۳ - شخصی برای حفظ منفعتی که متعلق بخود او یا دیگریست ، منفعتی را که هم‌سنگ آنست فدا می‌کند. این مورد فرضی است دقیق که در بند سوم ، اندکی در باره آن گفتگو خواهیم کرد.

در حالت اضطرار اصولاً شخص مجازات نمیشود ، باید دید که سبنا و پایه این نظر

چیست ؟

### بند دوم : پایه و اساس قضائی و حقوقی رفع مجازات در حالت اضطرار

۱ - مقایسه حالت اضطرار و اجبار معنوی - بطور کلی جرم عبارتست از عملی ارادی که قانون برای آن مجازاتی در نظر گرفته است از این تعریف برمی‌آید که هر قدر عمل ارادی بود بهمان اندازه از لحاظ مجازات تحت حکومت قانون قرار میگیرد . برای آنکه در حالت اضطرار بتوان به معافیت از مجازات استناد کرد عده‌ای حالت اضطرار را مانند اجبار معنوی دانسته‌اند. این فکر نه تنها در فرانسه بلکه در آلمان و ایتالیا نیز طرفدارانی داشته است.

یکی از علمای حقوق جزا میگوید که : «حالت اضطرار از لحاظی چند، درجه‌ای ضعیف‌تر از اجبار معنویست این حالت، حالت فردیست که با توجه و آزادی برای آنکه مالی را که قانون از آن حمایت کرده است حفظ کند، خویشتن را مجبور می‌یابد که مال دیگری را که آنهم مورد حمایت قانونگذار است فدا کند.»

اما این توجیه انسان که باید و شاید نمیتواند مورد قبول باشد. درست است که در برخی از حالات شخص مرتکب آنقدر تسلط خود را از دست میدهد که نمیتوان گفت آزاد بوده و بنابراین درین حال در واقع از لحاظ روانی مجبور گردیده است ولی اصولاً و با توجه به تعریفی که از حالت اضطرار کردیم شخص با آنکه خود را ناچار بفدا کردن یکی از دو منفعت می‌بیند در عین آزادی و با کمال عقل و منطق این دو منفعت را با هم می‌سنجد و بالاخره تصمیم می‌گیرد که از یکی از آنها دست بردارد و از دیگری حمایت کند پس نمیتوان گفت وی مجبور است و دارای اراده آزاد نیست.

۲ - فقدان فائده اجتماعی - فقدان فائده اجتماعی در مجازات شخصی که در حالت اضطرار مرتکب عملی خلاف قانون شده است نظر دیگریست که بعنوان اساس حالت اضطرار از طرف دسته‌ای دیگر از حقوقدانان مورد قبول واقع شده است بدین بیان که :

عمل اضطراری قابل مجازات نیست ، چون مجازات بهیچ وجه خصائصی را دربر ندارد که براساس آن موجب عبرت گردد و یا در اصلاح مقصر مفید افتد .

اصولاً این نظر برین پایه استوار است که اساس مجازات فائده آنست ، جامعه حق ندارد بجزا عملی که تنبیه آنها نفعی در بردارند عملی را مجازات کند، و نیز مجازات بایستی با ضروری که وارد آمده است متناسب باشد .

کانت در «اصول ماوراء طبیعی حقوق» خود اساس و ماهیت این مفهوم را چنین تشریح کرده است :

«تهدید به یک بدی ورنج غیرمحقق نمیتواند برترس از یک ضررمحقق فائق آید.»

براین اساس اثر تهریبی مجازات درحالت اضطرار کان لم یکن است. گارسون Garson میگوید جرمی که بر اثرحالت اضطرار ارتکاب میشود «نباید مجازات گردد زیرا اجتماع از مجازات آن نفعی نمی برد ، اگر اموال مورد تعارض آشکارا یکسان نبوده اند بنظر من این عدم فائده روشن و واضح است . از طرف دیگر کسی که تحت فشار اضطرار مرتکب جنحه یا جنایتی شده است یک بدکار خطرناک نیست ، شما با من درین مورد موافق خواهید بود که وی نباید مجازات شود.»

گاهی ممکن است که تعارض منافع جنبه کاملاً شخصی و خودخواهانه داشته باشد درین مورد برخی حالت اضطرار را مورد قبول قرار نداده اند اما اگر عملی از روی اخلاص و فداکاری انجام یافته باشد میتوان از بی فائده بودن مجازات سخن گفت: هنگامی که شخصی دری را می شکند برای آنکه طفلی را نجات دهد این عمل مورد قبول وجدان است عاقل درین لحظه یک فرد پرهیزگار و متقی است که در راهی که منتهی به جرم شده قرار گرفته است ، راهی که درین مورد جامعه باید نسبت بدان بی تفاوت بماند و یا رحم و شفقت نشان دهد فردی که به چنین عملی دست یازیده است فردی آزاد و روشن بین است که بر اثر عدم امکان احترام نهادن به دوحق ، یکی امر قانونی ، احترام نهادن بمالکیت خصوصی ، و دیگری امر اخلاقی ، دستگیری بهم نوع ، دومی را برگزیده است .

این سخن تعارض در واقع دو قاعده را در برابر ما می نهد که یکی از آنها دستور اخلاقی و غیر نوشته است و دیگری دستوریست قانونی که تنظیم و تدوین شده است ، اما در اینجا قاعده اول است که باید حکومت کند و بهر حال این جرم خطری اجتماعی در بر ندارد زیرا مرتکب آن فردیست پرهیزگار که در غیر این حالت که حالتی استثنائی است برای جامعه خطرناک نیست .

۳ - تعارض تکالیف یا حقوق یا اسوا و حتمیت ترجیح یکی بر دیگری . دسته

سومی هستند که غیر مفید بودن مجازات را از لحاظ اجتماعی چندان مورد توجه قرار نمی دهند بلکه مسأله زیانمند بودن آن را مطرح می کنند این دسته معتقدند که :

در حقیقت حالت اضطرار جز تکمیل و انجام یک تکلیف یا حق بمعنی فلسفی کلمه

چیز دیگری نیست .

هگل در اینجا این سیستم را که «انسان مرکز و منشاء حقوق است» اعمال می کند در اینجا قانون قوه قهریه خود را در برابر انسان از دست میدهد هگل میگوید : « درحالت خطر فوق العاده و تعارض آن با مالکیت ، زندگانی فرد از یک حق واقعی اضطرار برخوردار میشود .»

اما در مورد اموال اگر بکمی از دو مال ارزش بیشتری داشته باشد میتوان فائده اجتماعی را نیز شامل آن کرد. لکن اگر دو مال از لحاظ ارزش نزدیک بهم هستند آیا کاملاً مساوی اند، آیا استناد به حالت اضطرار پشتیبانی و تأیید خودخواهی فردی نیست؟ در مورد تعارض بین دو تکلیف گفته میشود که:

اعمال مجازات در مورد حالت اضطرار غیر عادلانه و غیر مفید و غالباً زیانمند است.

الف - غیر عادلانه است: زیرا کسی که مرتکب عمل قابل مجازات شده است در بسیاری از موارد فساد و تباهی آنرا پیش بینی نکرده است.

ب - غیر مفید است: زیرا که تهدید به مجازات در برابر کسی که تحت تأثیر ضرورت مشروع و نیروئی قویست بی اثر است.

ج - زیانمند است: زیرا که تکلیف انجام یافته غالباً مهم تر و قوی تر از تکلیفی است که از انجام آن خودداری شده است و منفعت اجتماع در اینست که این سلسله مراتب ارزشها بر هم نخورد.

نتیجه‌ای که از این بحث میتوان گرفت اینست که: عمل ارتكابی در حالت اضطرار عملی نیست که دارای جنبه ضد اجتماعی باشد و از جهت دیگر مجازات کردن آن شاید زیانمند باشد و بالاخره همانطور که «ویدال Vidal» گفته است عمل انجام یافته در حالت اضطرار خارج از قلمرو حقوق جز است.

### بند سوم: شرائط حالت اضطرار

حالت اضطرار باید دارای چند شرط باشد تا موجب معافیت از مجازات گردد این شرایط عبارتند از:

- ۱ - غیر عادلانه بودن و غیر قانونی بودن ضرری که از آن اجتناب شده است.
  - ۲ - محقق بودن ضرر
  - ۳ - تناسب مال نگهداری شده با مال فدا شده
  - ۴ - متناسب بودن وسیله‌ای که بکار برده شده است.
  - ۵ - نبودن مبنای قانونی یا اخلاقی برای ضرری که از آن اجتناب شده است
- ضرری که متوجه آدمی است چنانچه مخالف اخلاق یا قانون باشد موجب آن میتواند فدای امر دیگر گردد و درین مورد میتوان به حالت اضطرار توسل جست. اما آشکار است که اگر همین ضرر بوسیله اراده قانونی وارد آمده باشد نمیتوان به حالت اضطرار استناد کرد مثلاً برای گریختن از زندان استحقاقی نمیتوان به حالت اضطرار توسل کردید، زیرا هر چند مجبوس بودن امریست موجب ضرر اما این ضرر بر حسب اراده قانون بوجود آمده است.
- مسئله استحقاقی بودن ضرر بصورتی دیگر نیز مطرح میشود و آن هنگامیست که

قانون بطور صریح بدین مسأله اشاره نکرده باشد اما بطور اصولی در ذات و ماهیت رفتار شخص و کار وی امری نهفته باشد که بموجب آن وی باید فداکاری کند. در بسیاری از موارد شخص موظف بدلیبری و قهرمانی نیست، اما اگر بر حسب وظیفه شخص در وضعیتی قرار دارد که الزاماً باید فداکاری کند نمی‌تواند به حالت ضرورت استناد جوید و در پناهش بیساید، در حقیقت این فداکاری برای وی تکلیف است. بعنوان مثال ممکن است عملیات سربازان و یا بطور کلی وظایف مأموران پلیس و محافظان امنیت را یاد کرد، بسیاری از قوانین جدید این فکر را صریحاً متذکر شده‌اند: مقررات حالت اضطرار «نسبت بکسانی که بموجب تعهد شغلی خاص متعهد و موظفند اعمال نمیشود»<sup>۱</sup> و نیز «در مورد کسانی که تکلیف حقوقی خاص دارند برای آنکه در معرض خطری قرار گیرند»<sup>۲</sup> مقررات حالت اضطرار اعمال نمی‌گردد. بطور خلاصه باید گفت برای آنکه بتوان به حالت اضطرار استناد کرد لازم است ضرری که از آن اجتناب شده غیر عادلانه و غیر قانونی باشد و یا تکلیف حقوقی خاصی که تحمل آنرا الزامی می‌کند وجود نداشته باشد.

#### ۲ - محقق بودن ضرر

مسأله محقق بودن از امور است که از لحاظ نظری بآسانی و بطور کامل قابل توجیه و تشریح است، اما در عمل مورد شک و تردید و بحث قرار می‌گیرد، میتوان از ضرر محقق گفتگو کرد، اما چگونه باید آنرا تعیین کرد؟ شک و تردید از هنگامی آغاز میگردد که منظور تعیین طبع «محقق بودن» باشد، باید دید آیا مقصود تحقق عینی است که پس از بررسی اعمال نتیجه‌اش معلوم میشود و یا آنکه منظور تحقق ضرر از لحاظ شخص و وابسته بنظر اوست؟ درین باره میتوان گفت:

از یکسو باید از اوضاع و احوال دریافت که آیا این ضرر محققاً وارد میشده است یا نه؟ و از سوی دیگر باید به روحیه و طرز فکر مرتکب عمل نیز توجه کرد زیرا نکته‌ای که مسلم است اینست که حالت اضطرار حالتی است بحرانی و بنابراین تشخیص این حالت با شخص مرتکب است و بستگی به میزان هوش و قدرت درک او دارد. اما همانطور که گفتیم باید این نکته را هم در نظر گرفت که مثلاً بحران خاتمه یافته است آیا درین هنگام نیز مرتکب آن بارتکاب عملی که دارای نتایجی مشابه باشد دست می‌زند یا نه؟ بطور خلاصه حالت اضطرار مسأله ایست که ازدو جهت باید مورد توجه باشد و توجیه و تشریح آن طوری صورت پذیرد که هم نظر گاه عینی و هم جنبه ذهنی و شخصی را در آن محلی باشد.

#### ۳ - تناسب میان ضرری که وارد آمده و نفعی که عاید شده است

برای آنکه حالت اضطرار با ارزش و قانونی تلقی گردد بایسته است که مال مورد حمایت تا حد زیادی با ارزش تر از مالی باشد که فدا شده است و بطور کلی هیچگاه عکس این حالت نمیتواند وجود داشته باشد.

۱ - قانون جزای ژاپن ماده ۳۷۰

۲ - قانون جزای ایتالیا ماده ۵۴

سلسله مراتب در حقیقت مستلزم طبقه‌بندی ارزش‌هاست بموجب این طبقه‌بندی سرتکب عمل متعهد و موظف است که نگهداری مالی با اهمیت تر را انتخاب کند اگر عکس این رفتار کرد نمیتواند از حالت اضطرار استفاده کند. اما این قاعده که در اصل بسادگی بیان میشود در عمل مسائل بسیار دقیقی را پیش می‌آورد، زیرا از لحاظ اوضاع و احوال خارجی و هم‌چنین از جهات نفسانی عدم تناسب میان اموال آن اندازه زیاد است که نمیتوان فکر منفعت و طبقه‌بندی ارزش‌ها را باسانی اعمال کرد. درین مورد به مسأله تعارض حیات و مذهب و یا تکالیف در برابر سیهن اشارت می‌کنیم. این مورد از مواردیست که تضاد و تضاد دربارۀ دو امر متعارض و تعیین ارزش آنها بطور نامحدود قابل تغییر است. پوفندورف "Pufendorf" در عین آنکه نسبت به مسأله حالت اضطرار با نظر بسیار مساعد می‌نگرد عقیده دارد که در تعارض حیات و مذهب «هیچگاه اعمالی که منجر به نقض احترام مقام مقدس الوهیت میشود مشروع نیست، این تعارض موجب نخواهد بود که برای فرار از مرگ به کفر گفتن و یا انکار وجود خدا و یا ترک احترام و پرستش و ترک فرمانبری ازین وجود اعلی دست یازیده شود.» این فکر امروز کمتر طرفدار دارد و از آن دفاع نمیشود، حتی اگر یک معتقد بنام مذهب قانون جزا را نقض کند. مسأله دیگر موردیست که حمایت و نگهداری از یک شاهکار مستلزم مجروح ساختن فردی است این امر را چگونه میتوان توجیه کرد؟

شخصی مالک شیئی عتیقه ایست. در اثر حادثه‌ای خانه‌اش آتش میگیرد و مأمور آتش‌نشانی از ورود وی به منزل جلوگیری میکند و هر قدر که خواهش می‌کند نتیجه نمی‌گیرد مالک شیئی عتیقه ناگزیر بسختی به مأمور تنه میزند و او را بزمین می‌افکند و وارد خانه میشود مأمور در اثر زمین خوردن مجروح میشود و مالک نیز تابلو یا شاهکار دیگر مورد نظر را از میان آتش بدر میبرد درینجا آیا حمایت از شاهکار و جرح مأموریکه مقررات را رعایت نمیکرده است مهمتر است یا پرهیز از جرح مأمور؟ درین زمینه میزان و مقیاس سنجش دقیق موجود نیست از این بالاتر وقتی شخصی برای حفظ یک اثر هنری متعلق بیک از بزرگان هنر که در اختیار یکی از موزه‌هاست دست به چنین کاری میزند مال خود را نجات نمی‌دهد بلکه میراث هنری و فکری را که به بشریت تعلق دارد حمایت می‌کند درین مورد آیا جراحت وارد به مأمور هم سنگ این گنجینه است و چنانچه وی در اثر همین افتادن بزمین و یا جراحت کشته شود چطور؟

آنچه بطور خلاصه میتوان گفت اینست که باشکال میتوان قبول کرد که درین مورد شخص از مجازات معاف گردد. این نظر با توجه باین امر است که هیچ چیز هر چند باارزش و پر قیمت باشد از وجود انسان و مقام او بالاتر و بالاتر نیست، و برین اساس است که باید همه چیز را فدا کرد اما اجازه نداد کوچکترین جراحتی به شخص انسان وارد آید.

ع - متناسب بودن وسیله‌ای که بکار برده شده است - نخست باید دید مقصود از تناسب و صلاحیت وسیله چیست؟ این امر در حقیقت عبارت از ضرورت عمل انجام یافته

برای حل و فصل مسأله تعارض است. بطور کلی شخص نمیتواند هر گونه وسیله‌ای که در برابر خود دارد بکار برد، بلکه باید از میان آنها انتخاب بعمل آورد و وسیله کم ضررتر و مطمئن‌تر را برگزیند. در حقیقت از میان وسائل موجود تنها یک وسیله است که با توجه بضرری که محقق و قریب الوقوع است باید بکار برده شود. این وسیله در عین آنکه دارای کمترین ضرر ممکن است بالاترین تأثیر را نیز در بر دارد اما در این مورد نیز مانند مورد قبل، یعنی تناسب میان ضرر و نفع، تعیین امر از لحاظ عمل مشکل و سخت دشوار است. هنگامیکه مالی برای فدا کردن برگزیده شد بایستی وسیله را انتخاب کرد آنچه بطور قطع میتوان گفت اینست که از افراط در خسارت وارد باید بطور کلی اجتناب شود. در موردیکه شخص انسان مورد خطر واقع شده است میتوان مالی را فدا کرد اما باید کوشش کرد که هر چه ممکن است خسارتی که وارد می‌آید کم اهمیت‌تر باشد و تا جاییکه میتوان، فکر حمایت مال را هم از نظر دور نداشت.

**تبصره - تقصیر مرتکب - نکته‌ای را که در پایان این بحث باید متذکر شد مسأله خطا و تقصیر قبلی مرتکب جرم است. در بسیاری از موارد بی احتیاطی های مرتکب موجب ایجاد وضعیت سیگردد که منبای حالت اضطرار میشود از جمله :**

۱ - شخصی در اثر کار زیاد روزانه خسته است و سیگاری در دست دارد و همان حین در اثر خستگی به خواب میرود، آتش سیگار بر زمین یا چیز دیگری که قابل اشتعال است می‌افتد و اطاق آتش می‌گیرد، شخص ناگهان بیدار می‌شود و بعلمت آنکه آتش در نزدیک در خروجی در حال اشتعال است نمیتواند بدان نزدیک گردد پنجره نیز بطوری محکم است که غیر قابل عبور است این شخص ناچار دیوار نازکی را که بین اطاق و خانه همسایه است خراب می‌کند و از میان آتش بدر میرود، آیا وی را میتوان از این لحاظ جزاء قابل مجازات دانست؟ واضح است که نه.

۲ - هم چنین در موردیکه حالت اضطرار ناشی از تقصیر دیگریست نیز مجازات باید نفی شود مثلاً شخصی در اطاقی بدون آنکه سیگار را خاموش کند میخواهد اطاق آتش می‌گیرد و دیگری که در خارج اطاق است دود را مشاهده می‌کند و برای آنکه کسی را که در اطاق است از خفگی یا سوختگی نجات دهد در خانه همسایه را می‌شکند یا دیوار او را خراب می‌کند.

نتیجه‌ای که بطور خلاصه باید بدان اشارت کرد اینست که: اصولاً حالت اضطرار هر چند ناشی از خطا و تقصیر قبلی مرتکب جرم، یا دیگری باشد وجود دارد و شخصی که مرتکب عمل خلاف قانون شده است با توجه بشرایط دیگر میتواند بدان استناد جوید و از مجازات معاف گردد.

\* \* \*

یادآوری - در تهیه این مقاله از مباحث کلی کتاب زیر استفاده شده است.

FORIERS, Paul: De l'état de nécessité en droit pénal: Paris, Bruxelles. Librairie du Recueil Sirey. 364 p.